# راهبردی نو برای همگرایی اسلامی است

همزمان با ۱۹ مهر، سالروز تأسیس مجمع تقریب مذاهب، بازنگری در راهبردهای وحدت یک ضرورت است؛ «تفسیر تقریبی» با زدودن غرابت از باورهای اختلافی و اثبات معقولیت آن‌ها، بدون تنازل از اصول، بستر واقعی همگرایی اسلامی را فراهم می‌سازد.

امروزه کمتر کسی را می‌شناسیم که با وحدت اسلامی یا تقریب مذاهب، اختلاف اصولی داشته باشد. به‌نظر می‌رسد که بسیاری از مخالفان وحدت یا تقریب، در اصل این کار و در ضرورت آن تردیدی ندارند. مخالفت‌ها یا تردیدها عمدتاً معطوف به برخی بانیان و مروجان تقریب یا برخی از گفتارها و رفتارهای تقریبی است. به‌عبارت دیگر، اعتراضات و نگرانی‌ها عمدتاً متوجه مصادیق و تطبیقات تقریب است. با اینکه به‌نظر می‌رسد که وحدت و تقریب رونق پیشین خود را به‌ویژه در دهه ۱۳۳۰ شمسی و در دو سه دهه پس از پیروزی انقلاب اسلامی از دست داده، با این‌همه، کمتر شاهد شک و تشکیک در اصل وحدت و تقریب هستیم، هرچند هیچگاه التزام عملی، که نیازمند دخالت مؤثر قدرت سیاسی و دینی، و نیز تربیت دینی و تقریبی، درکنار فرهنگ‌سازی و زیرساخت‌های فکری است، هیچگاه، در حدّ کافی و بلکه درحدّ لازم نبوده است.

ضرورت وحدت (دست‌کم: همزیستی مسالمت‌آمیز) و تقریب (تلاش برای کم‌کردن اختلافات فکری مذهبی)، علاوه بر مبانی و دلایلی از قرآن کریم، روایات و سیره عملی معصومان علیهم‌السلام، به دلائل عقلی و عقلائی نیز مستظهر است: آیه تمسک به ریسمان الهی و نهی از تفرقه(آل عمران/ ۱۰۳)، پرهیز حضرت هارون علیه‌السلام از نقش‌آفرینی در تفرقه(أن تقول فرّقتَ بین بنی إسرائیل: مباد که بگویی بین بنی‌اسرائیل، تفرقه انداختی! طه/ ۴) و مفهوم قرآنی امت واحده (انبیاء/ ۹۲؛ مؤمنون/:۵۲) و روایاتی از قبیل سفارش امام‌عسکری علیه‌السلام به شیعیان (صَلّوا فی عَشائرهم ، وَاشهَدوا جَنائزَهُم، وعودوا مَرضاهُم ، وأدّوا حُقوقَهُم ، فَإنّ الرّجُلَ منکُم إذا وَرَعَ فی دینه وصَدَقَ فی حَدیثه وأدّی الأَمانَهَ وحَسّنَ خُلُقَهُ مَعَ النّاس قیلَ: هذا شیعیّ، فَیَسُرّنی ذلکَ. اتّقُوا اللّه وکونوا زَینًا ولا تَکونوا شَینًا، جُرّوا إلَینا کُلّ مَوَدّهٍ وَادفَعوا عَنّا کُلّ قَبیحٍ: در جمع عشائر آنها، نماز بگذارید، در تشییع جنازه آنها حاضر شوید، از بیمارانشان، عیادت کنید، حقوق ایشان را ادا کنید، زیرا یکی از شما، آنگاه که در دین خودش، پرهیزگار باشد و راستی را پیشه کند و امانت را رعایت کند و رفتارش با مردم، نیکو باشد، گفته خواهد شد که او شیعی است و این مرا شادمان می‌کند. تقوا پیشه کنید و زیب و زیور ما باشید و مایه ننگ و عیب ما نباشید. همه دوستی‌ها را به‌سوی ما جلب کنید و همه زشتی‌ها را از ما دفع کنید.

تحف‌العقول، صفحه ۴۸۷ و رک: سفینه البحار، ج ۲، ص ۳۶۰، از پیامبر اکرم(ص) نقل شده است: إلزموا السواد فإن یداه مع الجماعه و إیاکم والفُرقه فإن الشاذ من الانسان للشیطان کماأن الشاذ من الغنم للذئب: با توده مردم باشید، که دست خدا با جماعت است و از تفرقه بپرهیزید، که تنهامانده از مردم، نصیب شیطان می‌شود، همانطورکه تنهامانده از گله گوسفندان، نصیب گرگ می‌گردد). سیره امامان شیعه کاملا گویاست (رک: علی آقانوری، امامان شیعه و وحدت اسلامی، انتشارات دانشگاه ادیان، قم، ۱۳۸۷ش) و نیز حکم عقل به لزوم انسجام دربرابر دشمنان و بدخواهان مشترک، لزوم پرهیز از منازعه و دشمنی، که مایه تضعیف همه اطراف می‌شود و تقدم و اولویت اشتراکات بر اختلافات و امکان تداوم حیات تنها درصورت تمرکز بر مبانی، مواضع و منافع مشترک.

راهبردهای تقریب

درکنار دو راهبرد یا مرحله تقریب، که یکی ناظر به اشتراکات و تثبیت و توسعه آنهاست و دیگری معطوف به اختلافات و اختصاصات، و معذوردانستن همدیگر در این موارد، می‌توان راهبرد یا مرحله سومی را افزود و آن، تبیین و تفسیر تقریبی از مواضع اختلافی و اختصاصی است. تبیین و تفسیر به دوگونه، قابل تصویر است: در بخشی از اختلافات، با تفسیر دقیق و عالمانه، می‌توان نشان داد که به‌واقع، اختلافی

درکار نیست و آنچه اختصاصی تلقی شده، اشتراکی است (بین همه مسلمانان یا بین شیعه و برخی مذاهب اسلامی) یا حداکثر، اختلاف در حدّ لفظ و تعبیر است (چنانچه مثلا شیخ مفید در بحث بداء، اختلاف بین شیعه و سنّی را فقط در لفظ بداء می‌داند: و أقول فی البداء مایقوله المسلمون بأجمعهم فی النسخ و أمثاله من الإفقار بعد الإغناء…و لیس بینی و بین کافه المسلمین فی هذاالباب خلاف و إنما خالف من خالفهم فی اللفظ دون ماسواه: من در خصوص بداء، همانی را می‌گویم که همه مسلمانان درباب نسخ و مانند آن می‌گویند که خدا آدمی را بعد از فقر، به غنا می‌رساند و… و بین من و دیگر مسلمانان در این باب، اختلافی نیست، مگر در لفظ، و نه در جز آن، اوائل المقالات، ص ۳۰، تحقیق مهدی محقق، چاپ مؤسسه مطالعات اسلامی، تهران و مک‌گیل، ۱۳۷۲ش). این، گونه‌ای از تفسیر با هدف بسط مشترکات است.

گونه دومی از تفسیر را می‌توان مطرح کرد که دغدغه این نوشته و نویسنده آن است و آن ارائه تفاسیری از اختلافات و اختصاصات، نه به منظور تقلیل اختلافات، بلکه با هدف کاستن یا زدودن غرابت و شذوذ و به تعبیر دیگر، نشان‌دادن مشروعیت(و معقولیت)آن است. به بیان دیگر، در مواردی، اختلاف آنچنان جدی است که به هیچ وجه، نمی‌توان اختلاف را به اشتراک برگرداند یا به اختلاف لفظی تقلیل داد. در این موارد، حداقل، می‌توان درمیان تفسیرهای مطرح و متصور، تفسیری را برجسته کرد که اگر مقبول مخالفان مذهبی نمی‌افتد، اما به نظر آنها غریب ننماید و از معقولیت(یعنی عقل‌ستیزنبودن)و مشروعیت (مثل همانندداشتن در سنت دینی عموم مسلمانان)، برخوردار است. این نوع تفاسیر به‌واقع، گامی مهم در مسیر تقریب ذهنی و فکری میان مسلمانان است که راه را بر اسناد کفر یا بدعت یا غلو و مانند آنها می‌بندد.

در تفکر شیعی و در سیره متشیعه، موارد متعددی وجود دارد که به‌دلیل خوب تبیین نشدن یا سوء برداشت (و گاه سوء نیت برخی)، شیعه به کفر یا بدعت یا غلوّ، متهم شده است. برخی از این موارد در حدّ اتهام، و قابل سلب هستند، اما برخی از آنها، مستظهر به شواهدی از درون مذهب و متکی به تفاسیر رائج در نزد عالمان شیعه یا تلقی‌های عمومی در نزد عموم شیعیان است. پیشنهاد ما در این موارد اخیر (که دراختیار مخالف مذهبی، مستمسکی قابل اعتنا، برای اسناد دیدگاهی به تشیع یا به تودهٔ شیعیان قرار می‌دهد)، برجسته‌کردن برخی تفسیرهای شیعی است که گرچه مقبول مخالف قرار نمی‌گیرد، غرابت و شذوذ نظرگاه و نیز اتهام به غلو یا بدعت یا کفر را از بین می‌برد.

شاید در اینجا، ذکر برخی از این ابهامات یا اتهامات، به‌صورت فهرست‌وار، مناسب باشد:

۱. شیعه درباب صفات خدا، به نفی(و ابطال و تعطیل) معتقد است؛

۲. رجعت شیعی نوعی تناسخ است؛

۳. باور به علم غیب امامان شیعه، غلوّ است؛

۴. باور به عصمت امامان شیعه، غلوّ است؛

۵. مرجعیت نهایی امام در شیعه، مستلزم قائل‌شدن به ارتباط وحیانی امامان شیعه و حق تشریع برای آنهاست؛

۶. امامت شیعی (و امتداد آن، ولایت فقیه در نظر قائلان به آن) در عرصه سیاسی با مردمسالاری سازگار نیست؛

۷. امامت شیعی منزلتی هم‌طراز با نبوت و گاه برتر از آن دارد؛

۸. تلقی شیعه از غدیر خم، به تکفیر یا تفسیق اکثریت مطلق مسلمانان حاضر در آن عرصه که بعدها به خلافت ابوبکر تن دادند، می‌انجامد؛

۹. باور به اصل اعتقادی بودن امامت، به تکفیر همه مخالفان مدهبی می‌انجامد؛

۱۰. تلقی شیعیان از عاشورای حسینی و از شعائر حسینی، جبهه‌بندی بین شیعه و سنی است، یعنی گویا تقابل سال ۶۱ هجری بین شیعه و سنی صورت گرفته است و شیعیان، اهل‌سنت را امتداد جبهه مقابل سیدالشهداء می‌دانند

به این فهرست، همچنان می‌توان موارد دیگری را افزود. در همه یا اغلب این موارد، ظاهر تشیع یا سیره شیعیان به‌گونه‌ای بوده که زمینه‌ساز این نسبت‌هایی شده که هرکدام از آنها وقتی بر تودهٔ مسلمانان عرضه شود، به‌راحتی، حکم به بدعت و غلو می‌کنند. راه‌حل ما در این موارد، ارائهٔ تفاسیر درست و دقیق یا برجسته‌کردن تفسیرهایی است که چه‌بسا در شیعه مهجور باشند، اما کاملاً در چارچوب تفکر شیعی هستند و می‌توانند غرابت‌زدایی کنند.

صاحب این قلم در سال‌های اخیر، در سه عرصه از عرصه‌های فوق (تحت عنوان «جایگاه اعتقادی امامت در

تشیع»، «مرجعیت علمی امام» و «تفسیر تقریبی از عاشورا»)، کوشیده تفاسیری مقبول به‌دست دهد، بدون آن‌که از مبانی و مواضع اتفاقی شیعه، تنازل کند یا منکر اختلافات جدی بین تشیع و تسنن در این زمینه‌ها بشود.

منبع: مصاحبه حجت الاسلام شریعتمداری با روابط عمومی دانشگاه ادیان